

..کاظم فرج الهی : ما نیز اسماعیل بخشی هستیم و سپیده و عسل و

نمایش ویدیوی " طرح سوخته" ، ضمن این که دل هر ایرانی صاحب اندیشه را به درد می آورد، حکایت از عمق نوعی ساده لوحی یا ساده انگاری دارد. تهیه کنندگان این ویدیو یا خود بسیار ساده لوح هستند یا بینندگان را بسیار ساده لوح و بدون قدرت تشخیص می پندارند که این خود اهانت بزرگیست به تمامی بینندگان و مخاطبان این ویدیو این ویدیو بدون اشاره و بی توجه به علت و ریشه ی اصلی رخداد ها تلاشی ساده لوحانه و ناکام دارد به بیننده القا کند ماجراهای هفت تپه و اهواز و اراک و ... و در ابعادی وسیع تر اعتراض های بحق کارگران و زحمتکشان، به شرایط نابسامان کار و زندگی شان، در جای جای این سرزمین، اجرای توطیه ها و نقشه های شوم دشمنان غربی و امریکاست! در حالی که ریشه ی بسیار روشن این حوادث را وا میگذارد

داستان بسیار ساده است: آنچه در این شهرها رخ داده در واقع تلاش کارگرانی است که کار و معیشت خود را از دست داده اند یا دارند از دست میدهند؛ تلاشی برای حفظ شعل و معیشت. در تمامی این حوادث کارگران ابتدا شکایت ها و اعتراض های ارام خود را با استفاده از روش های اداری و مسیرهای قانونی موجود به مقامات و نهادهای مس عول منطقه رسانده اند و سرانجام، در پی نگرفتن پاسخ، تظلم به خیابان آورده اند و این بسیار طبیعیست. و باز هم بسیار طبیعی است که دانشجویان، این فرزندان خانوارهای کارگری، به زعم و روش خود به کمک این درماندگان بیایند. این بسیار طبیعی است که این کارگران به سوی هر کس و یا هر نهادی که ادعای کمک به ان ها را داشته باشد دست یاری دراز کنند. که اگر چنین نمیشد جای تعجب بود. ویدیو به درستی بخشی از رخدادهای دی ماه 96 را نشان می دهد که انبوه مردم در بیش از یک صد شهر از این سرزمین بالقوه ثروتمند در اعتراض به گرانی و بیکاری یعنی نبود کار و نان و ازادی به خیابان ها آمده اند. این ویدیو که در پر بیننده ترین ساعت در شبکه سراسری سیمای دولتی به نمایش درآمد به جای نشان دادن این نکته که ریشه ی اصلی این نابسامانی ها کدام سیاست ها و راهکار های نادرست بوده، به معلول نپرداخته است؛ سیاست ها و راهبردهایی که آخرین شکل بروز و نتایج ان زیر عنوان خصوصی سازی و سپردن کار مردم به خود مردم، در واقع واگذاری و به غارت دادن سرمایه ها و منابع عمومی این سرزمین است به " ثمن بخش". واگذاری به گروهی سود جو که هدفی جز مال خود کردن و غارت منابع و انتقال سرمایه های عمومی جامعه به خارج از کشور ندارند

اسماعیل بخشی کیست؟ مهندس جوانی که پس از پایان درس و دانشگاه برای تامین معیشت خود به تنها بنگاه صنعتی و کشاورزی منطقه و استان خود آمده است. اگر نبود اجرای سیاست های نیولیبرالیستی طی تمامی سالهای پس از پایان جنگ تا به امروز، اگر نبود اجرای سیاست های واردات انبوه کالاها به جای حمایت و گسترش کالاهای داخلی و بالاخره اگر نبود واردات انبوه "شکر"، طی سالهای میانی دهه 80، بنگاه ها و کارخانجات تولید شکر به بحران و ورشکستگی و انحلال کشیده نمیشدند. اگر سیاست های درست انتخاب و اجرا شده بود این کارخانه ها که در واقع اموال و سرمایه های عمومی هستند احیا و بازسازی می شدند و به بخش خصوصی واگذار نمی شدند، منابع غارت و به خارج از کشور برده نمی شدند، تولید برقرار بود و رونق داشت و اشتغال ها پابرجا بودند؛ و اسماعیل بخشی ها همچنان سرکار خود مشغول بودند و به یاری سپیده ها و عسل ها هم نیازی نبود و ان ها در حوزه های دیگری به درس و تحقیق خود ادامه می دادند. اگر توطئه ای در کار است در اتخاذ و اجرای این سیاست های بحران زاست. در اختلاس های بیشمار و غارت و انتقال های میلیاردی اموال و سرمایه های عمومی به خارج از کشور است. انها را در یابید. من خود نیز در استانهی بازنشستگی در یک کار سخت و زیان اور در صنعت نساجی و درست به دلیل همین خصوصی سازی و انحلال کارخانه، در سال 1382 در حالیکه نماینده کارگران در شورای کارخانه بودم، به اتفاق تمامی دیگر همکارانم بیکار شدیم و درگیر بسیاری مشکلات

اری من نیز اسماعیل بخشی هستم؛ سپیده قلیان و عسل محمدی هستیم. رهایشان کنید

کاظم فرج الهی

